**آینده‌ی بیداری اسلام و مفهوم بنیادگرایی**

**نویسنده:**

 [دکتر یوسف قرضاوی](http://www.islahweb.org/authors/%D8%AF%DA%A9%D8%AA%D8%B1%20%DB%8C%D9%88%D8%B3%D9%81%20%D9%82%D8%B1%D8%B6%D8%A7%D9%88%DB%8C)

**ترجمه:**

 [موسی تیموری قلعه نوی](http://www.islahweb.org/translators/%D9%85%D9%88%D8%B3%DB%8C%20%D8%AA%DB%8C%D9%85%D9%88%D8%B1%DB%8C%20%D9%82%D9%84%D8%B9%D9%87%20%D9%86%D9%88%DB%8C)

هدف: بیداری اسلامی

من قصد توسیع و بزرگ جلوه دادن مسائل و نیز قصد بی توجهی به موانع فرا راه بیداری را ندارم. موانعی که بدون شک بزرگ و سهمگین است و کسی جز افراد جاهل و یا زورگو آن را انکار نمی‌کند. با وجود این می‌گویم که:

یکی از بارزترین ویژگی‌‌های بیداری اسلامی آن است که تنها نمایان گر حقیقی ضمیر و وجدان و هویت و عقاید تمدن امت اسلامی است. و همچنین تبلور شخصیت تاریخی و بیانگر آرمان‌‌ها و آرزوهایی که از ذات و روح و ساختار حقیقی ملل مسلمان سرچشمه گرفته، می‌باشد.

بررسی واقعیت‌‌ها همچون تحقیق در تاریخ ثابت نموده است که پیکر امت اسلامی بدون وجود روح اسلام در آن پیکری مرده و بی‌جان است و امکان زیستن را ندارد، و رهایی و خیزش و ایثار و فداکاری و وحدت امت جز در پرتو درخشش روح اسلام امکان‌پذیر نیست و آن تنها کلید بازگشایی گره‌‌هایی است که صعب‌العلاج است و بغیر آن هرگز باز نخواهد شد.

از این جهت است که در تاریخ دور و نزدیک و زمان معاصر امت‌‌های مسلمان بجز در زیر پرچم اسلام پیروزی را مشاهده نکرده است.

امت اسلامی دعوت‌‌های فراوانی را تجربه کرده و بانگ‌‌ها و نعره‌‌های بسیاری را شنیده است که خواسته‌اند او را بدون اسلام و برای غیر اسلام رهبری کند، اما به جز پراکندگی و تباهی و خواری و شکست پیامد دیگری را به دنبال نداشته است.

اندیشه‌‌ها و فلسفه‌‌های فرستاده شده از غرب و شرق و راه حل‌‌های وارداتی توسط گروه‌‌های چپ و راست، در عرصه‌‌های نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی به جز شکست و به بن بست رسیدن حاصل دیگری را در بر نداشته است.

عیب بزرگ این مکاتب و اندیشه‌‌ها و نظام‌‌ها در این است که با روح و ساختار اندیشه و ایمان ما ناسازگار و بیگانه‌اند. و از مخاطب قرار دادن اعماق درون انسان مسلمان و راهنمایی او به مسلمات عقلی و رهایی انرژی‌‌های متراکم در درون آن مانند گذشته و همچون پیشینیان پاک باخته که می‌تواند مسیر رویدادها را تغییر بدهد عاجز و ناتوان است.

قصیده‌‌های امرؤالقیس و اشعار عمرو بن کلثوم نمی‌تواند این امت را به تلاش و تحرک وا دارند. تا شگفتی‌‌های بزرگی را بیافریند.

افکار و نوشته‌‌های «ژان ژاک روسو »،«کارل مارکس»،«جان دیوید»،«مائوسه تونگ» و «ژان پول سارتر» هیچگاه نمی‌تواند برای ایجاد تحولات بنیادین، امت اسلامی را به جنب و جوش وادار کنند.

زمانی امت اسلامی در حقیقت به راه خواهد افتاد و شگفتی‌‌های بزرگ تاریخی را خواهد آفرید که قرآن او را به حرکت وا دارد. ایمان پیشوایش بشود، و پیشاپیش آن پرچم اسلام به اهتزاز درآید، و یاد و خاطره‌ی امام و پیشوای خود حضرت محمد(ص) را در دل آنان زنده گرداند.

چرا دور بریم؟ ما سال‌‌ها فرا خوانی گروه‌‌های ملی و مارکسیستی و راست و چپی و... را دیده و تجربه کرده‌ایم، آن‌‌ها چیز قابل توجهی از واقعیت‌‌های امت اسلامی را تغییر نداده‌اند، و در کنار دست آوردهایی که برخی مدعی آن هستند چندین برابر آنها امت اسلامی در عرصه‌‌های مادی و معنوی دچار زیان و خسارت گردیده است. و کام امت اسلامی همچنان از میوه‌ی تلخ و زیان‌‌های غیر مستقیم آن تلخ است و هر روز که می‌گذرد آثارش در زندگی اجتماعی ما بیشتر نمایان می‌شود.

مسئولیت ما در ارتباط با بیداری

بیداری اسلامی امید آینده‌ی امت اسلامی است و زمانی توان آن را دارد که با نیرو و شایستگی کشتی نجات امت را به ساحل نجات برساند که ما اعراب و مسلمانان برای ادای رسالتش در پرتو موارد زیر آن را یاری کنیم و خود بیداری نیز همچنین در قبال خویشتن احساس مسئولیت نماید.

الف- بیداری اسلامی برای همه‌ی ما بیداری باشد. تا وضع به این گونه نباشد که گروهی آن را همراهی و گروهی دیگر به مخالفت با آن برخیزند و همه‌ی عمر خود را بدون کمترین دست آوردی در کشمکش و رویارویی با یکدگیر، به هدر بدهیم.

لازم است همه‌ی ما بیداری اسلامی را مورد پشتیبانی قرار بدهیم، شکاف موجود میان مسلمانان و اسلام گرایان یعنی مسلمانان سنتی و وارثتی و مسلمانان دعوتگر و تلاشگر برداشته شود. همه‌ی ما باید اسلام گرا باشیم یعنی وابسته به اسلام و پیرو آن باشیم و دوستی ما به خاطر اسلام و توجه و تلاشمان برای اسلام و منبع و مرجع ما اسلام باشد حتی غیر مسلمانان هر چند به حقایق ایمانی عقیدتی اسلام باور نداشته باشند می‌توانند به نظام اجتماعی، سیاسی و اقتصادی اسلام که تنها راه حل نهایی است باور بیاورند و از آن دفاع نمایند.

فرق بین «بیداری اسلامی» و «حرکت اسلامی»

در این جا لازم می‌دانم که تفاوت بین «بیداری اسلامی» و «حرکت اسلامی» را بیان نمایم.

حرکت اسلامی دارای معنی و واقعیت معینی از نظر ارتباط و سازماندهی و رهبری و عضویت است اما بیداری اسلامی یک جریان فراگیری است که همه‌ی گروه‌‌ها و افراد مسلمان و غیرتمندان و کسانی را که به هر نحوی با اسلام و امت و سرزمین‌‌های اسلامی احساس همدردی می‌نماید، در بر می‌گیرد هر چند ممکن است بسیاری از آن‌‌ها دارای عنوان و آرم و شعاری نبوده و وارد جمعیت و هیئتی نشده باشد.

بیداری اسلامی پدیده‌ای فراگیر است که خاص گروه و اندیشه و موضع گیری‌‌های سیاسی خاصی نیست، بلکه همه‌ی آن‌‌ها را در فضای وسیع خود جای می‌دهد.

بیداری اسلامی عرصه‌ای است که اساس ارتباط میان افراد و قشرهای آن تنها عشق و افتخار به اسلام و خیرخواهی مسلمانان و برتری بخشیدن به امت اسلامی و فراهم  گردانیدن زمینه برای تبلور باورها و اندیشه‌‌ها و روش‌‌ها و قوانین و تمدن و نظام زندگی اسلامی است.

ب- برای ان که بیداری بدون هراس کار خود را به پیش ببرد لازم است، فضایی آکنده از آزادی و امنیت را برای آن فراهم نماییم.

در فضایی آکنده از آزادی است که اندیشه‌‌ها بیدار و همت‌‌ها برانگیخته و توانایی‌‌ها و استعدادها برای تلاش و سازندگی بسیج می‌شوند ولی در جو خفقان چیزی بجز عجز و ناتوانی و نسیان و خسارت وجود ندارد.

ج- با روحیه هراس و نگرانی نباید با بیداری برخورد نماییم و گمان ببریم که مانند روحانیان کلیسا در غرب یا پادشاهان ممالک اسلامی در شرق به بیراهه و انحراف خواهد رفت. بار گناه همه انحراف‌‌های تاریخی جهان را بر دوش آن قرار بدهیم .

لازم است در رویارویی برای کسب آزادی و سازندگی و در سایر عرصه‌‌های هفتگانه مواجه، به بیداری اسلامی مجال و فرصت بدهیم تا رهبری امت اسلامی را برعهده بگیرد. همچنان که به اندیشه‌‌ها و راه حل‌‌های وارداتی راست و چپ و لیبرالی و انقلابی آن مجال داده شد و امتحان خود را پس دادند.

بعد از نهضت (ضد استعماری) تنها اندیشه و دیدگاهی که  مجال و فرصت بدست گرفتن زمام امور را نیافته است، راه حل اسلامی است که بیداری منادی آن می‌باشد، و این در حالی است که در میان ملل مسلمان به اعتراف همه‌ی صاحب نظران و کارشناسان دارای پایگاهی قوی و مردمی است.

مسئولیت بیداری در برابر خود

د- از بیداری انتظار داریم که در درون توده‌‌های مردم جای گیرد و به عرصه‌‌های عربی مسلمانان وارد شود و از خود واکنش نشان دهد. ناآگاهان را آگاهی و غافلان را بیداری، ولگردان را آموزش، دست اندرکاران را یاری، نیازمندان را کمک، ناتوانان را توانایی، مبتلایان را درمان، منحرفان را هدایت و فرزندان را تربیت، گمراهان را راهنمایی و گناهکاران را به توبه وادار نماید.

و در حالی که خود بخشی از اجتماع است، برتری طلب و خود پسند نباشد و جامعه را هلاک شده و خود را نجات یافته نپندارند، در روایتی صحیح آمده است که :«هر گاه کسی را دیدید که می‌گوید: همه مردم تباه و جهنمی هستند، خود او تباه تر و جهنمی‌تر است.»

زیرا به خاطر خود پسندی و تحقیر دیگران گام در بیراهه و هلاکت نهاده است.

هـ - لازم است بیداری اسلامی مفاهیم و دیدگاه‌‌های نادرست را از اسلام عموم و اسلام نخبگان اصلاح نماید، فرق نمی‌کند «جمود و تحجر گرایی» که پس مانده عصر عقب ماندگی است، باشد یا «انکار اسلام» که دست آورد استعمار فرهنگی است. و برای زمینه سازی تربیت به نقش و مسئولیت خود در مورد تعلیم عمل نماید. تعلیم و تربیتی که یکدیگر را کامل می‌گردانند.

و- اساس کار خود را بر تسامح و وحدت قرار دهد و از تعصب و تفرقه دوری کند. و دنیای پیرامون خود را بنگرد که چگونه شرق و غرب اختلافات خود را کنار می‌گذارند و در همه عرصه‌‌های ادیان، مذاهب مختلف مسیحی و یهودیت و مسیحیت به هم نزدیک می‌شوند و دست دوستی به هم می‌دهند. و دیدیم که چگونه واتیکان با انتشار بیانیه‌ای یهود را از ریختن خون مسیح تبرئه نمود. و در عرصه‌ی اقتصادی اتحادیه اروپایی و دیگر اتحادیه‌‌ها را در جهان می‌بینیم. ما در عصر اتحادیه‌‌های بزرگ هستیم نه انجمن‌‌های کوچک.

روا نیست که گروه‌‌های مختلف اسلامی درگیر مسائل فرعی و حاشیه‌ای بشوند، مسایلی که مشکل است همه مردم در مورد آن اتفاق نظر پیدا کنند. از طرف دیگر به مسایل مهم و سرنوشت ساز و حیاتی اهتمام ورزند، و اصل طلایی و ماندگار:«همکاری در موارد متفق علیه و پذیرش عذر یکدیگر در مواردی که با هم اختلاف داریم» را بکار ببندیم.

وجود گروه‌‌ها و نگرش‌‌های متفاوت در عرصه بیداری اسلامی چنانچه تعدد در زمینه‌ی تخصص و تنوع باشد، نه تعدد تضاد و  تناقض پدیده‌ای ناروا نمی‌باشد، البته اگر با هم به تفاهم برسند و در مسایل بزرگی که ضروری است در آن هم چون صف واحد باشند ضامن یکدیگر شوند.

ز- بیداری اسلامی باید وسیله‌ای برای سازندگی و روشنایی بخشیدن و برداشتن موانع راه باشد، نه اینکه وسیله‌ای برای ویرانی و تاریکی و ایجاد موانع بشود، و نباید منتقدین خود را لعن و نفرین نماید. و رسول خدا(ص) نه برای لعن و نفرین گری، بلکه برای رحمت و محبت برانگیخته شده است. تا جایی که رسول خدا(ص) خطاب به کسی که شیطان را سب و لعن کرد، فرمود:«به شیطان ناسزا مگو! زیرا اگر چنین کنی او از خوشحالی در پوست خود نمی‌گنجد، تا جایی که همچون کوه می‌شود، می‌گوید: خوب او را به زمین کوبیدم و هلاکش گردانیدم، اما اگر تو خداوند را یاد نمایی و فرمان برداری کنی شیطان مانند پشه‌ای خوار و ضعیف می‌شود».

ح- باب گفتگو و مباحثه را با همه‌ی گروه‌‌های ملی مخالف بگشاید. و بر روی موارد مورد اتفاق تأکید نماید و با موارد اختلاف آشنا باشد و از گسترش آن جلوگیری کند . و در فراخوانی به حکمت و موعظه‌ی حسنه و مجادله و مناقشه‌ی پسندیده تر- همان طور که خداوند امر فرموده است- پیشگام باشد و از سفاهت و تند خویی و خشونت پرهیز نماید.

ط- ذهن و توان و وقت خود را به اصول و کلیات و محتوی، و فرایض بکار گیرد و فروع و جزئیات و  شکل و نوافل را در درجه‌ی دوم اهمیت قرار دهد. و در شناخت مراتب و درجات اعمال دقت و کنجکاوی نماید. تا مسئولیت‌‌های شرعی مرتب و منظم دچار درهم ریختگی نشوند، تا در نتیجه، آن‌‌هایی که شایسته‌اند که جلو انداخته شوند، به تأخیر نیفتند و اموری که لازم است به تأخیر انداخته شوند بیشتر مورد توجه قرار نگیرند، کاری کوچک، بزرگ و موضوعی مهم کوچک جلوه داده نشود.

امام محمد غزالی سخن بسیار ارزشمندی دارند که می‌فرمایند:«بر هم زدن نظام و ترتیب امور نیک، خود نوعی بد عملی بحساب می‌آید. همچنان که علما گفته‌اند: تا فریضه انجام نگیرد، خداوند مستحب را نمی‌پذیرد و فروع را از کسی که اصول را بدست فراموشی سپرده، قبول نمی‌نماید».

ی- لازم است بیداری اسلامی مدام سنت‌‌های خداوند را در ارتباط با آفریدگانش مراعات نماید، سنت‌‌هایی که استوارند و دچار دگرگونی نمی‌شوند، قاطع و برنده بوده و اهل مجامله و سازش نیستند. یعنی زمانی که بذری را نپاشیده، به خرمن دل خوش نکند، و میوه‌ی نارسیده را نچیند و لازم است به خوبی متوجه باشد که همه پدیده‌‌های نظام هستی دارای قانون خاصی هستند، و هر کس با آن قوانین در بیفتد سر او با صخره‌ی شکست برخورد خواهد کرد، و هر کس بخواهد بر آنها چیره گردد، تردیدی نیست که مغلوبشان خواهد شد، اما هر کس در لابلای آن سنت‌‌ها و قوانین و براساس هدایت خداوند عمل کند، سربلندی و موفقیت دنیا و سعادت آخرت را بدست خواهد آورد.